سه‌شنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۳
۰۱۴
شماره ۴۳۰۶
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

در نشست دولت چهاردهم و چالش‌های حکمرانی بررسی شد

هنر، به میدان آوردن مردم برای حل مسئله است

اندیشکده حکمرانی شریف به بهانه انتشار عمومی دفترهای که به‌عنوان ۱۴ دستاورد سالانی می‌شود که دولت چهاردهم تدوین کرده، نشستی را با عنوان «دولت چهاردهم و چالش‌های حکمرانی» با حضور رضا اردکانیان وزیر نیروی دولت دوازدهم، مصطفی زمانیان رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک دولت سیزدهم، محمدرضا جلایی‌پور پژوهشگر علمی سرزعیم استاد دانشگاه برگزار کرده است. در این نشست سیدمحمدصادق امامیان دبیرانجمن اندیشکده حکمرانی شریف از کارشناسان و صاحب‌نظران درباره این دفترچه سیاسی و همچنین چالش‌های حکمرانی در ایران پرسش کرد. متن گزیده‌ای از این نشست را در ادامه ازنظر می‌گذرانید.

رضا اردکانیان

من به چند نکته در ارتباط با همین دستور جلسه یا بهانه‌ای دارم که آقای امامیان برای جمع کردن ما داشتند و آن هم نقد این کار ارزنده و ارزشمندشان است. کار فوق‌العاده ارزشمندی است. زبان این پسته و هر سیاستی باید به‌گونه‌ای باشد که برای کارگزاران یا ذی‌نفعان مفهوم باشد. برای این امر حتماً فکر شده و در ویرایش‌های بعدی این مطلب رعایت خواهد شد. اگر چنین ارتباطی برقرار نشود و فرکانس فرستنده و گیرنده با هم جفت‌وجور نباشد، آن‌گونه که باید زحمات نتیجه نخواهد داد. درباره این زبان باید فکری کرد که البته اگر من پیشنهاد بدهم- به‌عنوان یک دولتی- پیشنهادم این است که در جمع دوستان پژوهشگر این مرکز کسانی باشند که دستی بر آتش دولت در گذشته یا در حال حاضر داشته باشند؛ آن‌ها می‌توانند نه‌فقط برای زبان، بلکه برای کدهای دیگر کمک کنند.

سیدمحمدصادق امامیان

اجازه دهید قدری بفهامانه‌ری و تیترزنی کنم. ما با تاریخی از تعاملات فوه مجریه با سایر اجزای نظام حکمرانی کشور مواجهیم. این تعاملات در جاهایی بسیار موفق و در دوره‌هایی بسیار شکننده بوده‌اند. در کشور، تاریخی از دوگانه‌ها و قطب‌سازی‌ها را شاهدیم. چطور می‌شود از این تاریخ همراه با موفقیت‌ها و نگرانی‌ها درس‌هایی برای دولت چهاردهم آورد و کمک کرد که این تجربه تاریخی به همگرایی سازنده بین دولت و سایر اجزای حکمرانی تبدیل شود؟

مصطفی زمانیان

بنده تجربه نزدیک به کاری که شما انجام دادید، در دولت سیزدهم دارم و ما سند تحول دولت را برای آن دولت تهیه کردیم. امیدوارم فقط‌دارت درباره سرنوشت احتمالی این سند و زحمات شما بتواند کمک کند که این تجربه را یک گام در سطح ملی پیش ببرید. ایدئالش‌تر می‌تونیک اندیشکده مستقل دانشگاهی اقدام به نوشتن چنین سندی آن هم به‌صورت داوطلبانه کرده است. ناظر بر محتوایی که در این سند اشاره‌شده چند نکته را بیان و سعی می‌کنم به سؤال آقای امامیان گوبخودرد. حدود ۱۷ سال است اختصاصاً در حوزه سیاست‌پژوهی کار می‌کنم. حدود ۱۰۰ سند ملی برای بخش‌ها و دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف نوشته‌ام و از ۱۰ تا ۱۰۰ سند ویج مصوبه نهادهای قانون‌گذاری کشور است؛ آخرین مورد سند تحول دولت بود که به معنایی از عینک رئیس‌جمهور به صحنه اداره کشور نگاه کرده‌ایم. این‌جا برای من تجربه و فهمی از میدان حکمرانی و قدرت فراهم کرده و آن این است که ما در کشور پیش از آنکه جهاب‌هایی برای اجرایی کردن سیاست نیاز داشته باشیم، به جراب‌هایی برای شیوه اجرایی کردن این راه‌ها نیاز داریم. این حرف مهمی است. راه‌حل‌های خوب در اندیشکده‌ها، نهادهای پژوهشی و اعتالهم وجود دارند. مهم این است که چرا حاکمیت در دست زدن و اجرا کردن این راه‌حل‌ها دچار تردید می‌شود؟ به نظرم می‌رسد این جنس تصمیم‌گیری‌ها به‌عنوان نهادهای اجتماعی باید کمک کند شفاهت دولت برای استفاده از این ابزارها و توصیه‌ها بیشتر شود. این موضوع اول‌با دوگانه اولی است که کمتر بدان پرداخته‌ایم. پاسخ این سؤال هم درنمی‌آید. الا اینکه جمع‌هایی شکل گیرد که فقط جمع به‌بحث‌های اندیشه‌ورز دانشگاهی چون نخبه نباشد. امثال آقای اردکانیان و بزرگانی که میدان واقعی قدرت را تجربه کرده‌اند هم تجربیات ارزشمندی دارند که چرا نشد؟ من تعبیری دارم که افلاً در تجربه زیست با دوستان دولتمردم به آن دست‌یافته‌ام؛ معمولاً روز آخر وزارت خود را رویاهای برآوردنشده وزارتخانه را ترک می‌کنند. خیلی دوست داشتیم کارها شود و نشد! این سؤال مهمی است که باید پاسخ‌دادن‌اش را به این موضوع اضافه‌دوم‌ناظر بر کارکرد احتمالی اینکه مکانیسم تصمیم‌ساز... محتوای تصمیمی که عموماً متوسط لایه کارشناسی روی میز سیاستگذار گذاشته می‌شود و دستورگذاری می‌شود که باید بر اساس تصمیم‌گیری تفاوت دارد؟ به عبارتی تصمیم بعد از اینکه از لایه کارشناسی می‌گذرد مسیری دارد که اسمش را «مکانیسم تصمیم» می‌گذارم. بخشی از مناسبات بین دولت و ارکان حاکمیت است. این مکانیسم‌ها در ساختارهایی همچون شورای عالی تیلور علمی آن را می‌بینیم، باعث غلت‌خوردن محتوای تصمیم می‌شود. بعضاً باعث قلب ماهیت تصمیم‌ساز می‌شود. این‌جا چیزی که من دلم‌ناظر و مطلوب است و در این دولت هم باید به سمت آن رفت. به نظر می‌رسد به تعبیر دیگر دولت پزشکیان متناسب با راهبرد و اهدافی که دارد سیاست اجتماعی و سیاست صنعتی جدی‌تری از آنچه را پیش‌فرض این سیاست‌ها است، می‌طلبد. درباره پیشنهاد پنجم تعبیری به نام انقلاب نهادی به کار برده شده است. به نظرم دارد؟ برخی ممکن است بگویند من ۵ وزارتخانه خوب داشته باشم، کفایت می‌کند. دولت برای من چتر حمایتی برای وزارتخانه‌های خوب فراهم کند، کافی است. آیا بیشتر از این برای مرکزیت دولت، مطالعه پاسور کارکردی فائلیم؟ نقش دولت و مرکزیت دولت باید این ارتباط معنادار را با وزارتخانه‌های خود داشته باشد که همیشه ندارد. چقدر این اهمیت دارد؟ برخی ممکن است بگویند من ۵ وزارتخانه خوب داشته باشم، کفایت می‌کند. دولت برای من چتر حمایتی برای وزارتخانه‌های خوب فراهم کند، کافی است. آیا بیشتر از این برای مرکزیت دولت، مطالعه پاسور کارکردی فائلیم؟ نقش دولت و مرکزیت دولت باید این ارتباط معنادار را با وزارتخانه‌های خود داشته باشد که همیشه ندارد. چقدر این اهمیت دارد؟ **حکمرانی جمع می‌بینیم؟ آقای اردکانیان بفرمایند. آقای جلایی‌پور به ما می‌بینیم، چقدر مهم است و چه توصیه‌هایی برای آن داریم که دولت چهاردهم از آن استفاده کند؟**

محمدرضا جلایی‌پور

آنچه در این متن پنج نکته تیتروار وجود دارد که بیان خواهم کرد. چرا این بحث؟ روشن است. حکومت ما شرایط عادی در حوزه اقتصاد و درآمدهای نفتی می‌شود. یک تجربه و اصلاحات ساختاری بدون اصلاحات نهادی رخ‌دادکم کم شد، نارضایتی سیاسی افزایش یافت به حکمرانی توجه پیدا کرده است و طبیعتاً الان تقاضای این وجود دارد و عرضه متناسب با آن تقاضا باید شکل بگیرد. مخاطب عمده مباحث برای راحل حاکمیت است، نه دوره چهاردهم! من دو سه دوره دیدم که مخاطبش دولت بود. همچنین درباره زبان باید بگویم یک حسن این است که مبتنی بر پژوهش است و طبیعتاً پژوهشگران آن را نوشته‌اند، زبان خشن و فنی و علمی است. این یک حسن برای Policy paper (یادداشت سیاسی) است. وقتی قرار است کارشناسان و افراد واردبان این سند را بخوانند این یک حسن است. اگر من دستم‌ون‌ولی وقتی قرار است سیاستمدار بخواند زبان به نظرم باید فرق کند و یکجایی به نظرم باورپوینت از این جزوه مؤثرتر است. کلمات باید با حساسیت‌های دولت باشند، هشدارها جدی نشان داده شده‌اند. از رنگ استفاده شود، از برجسته کردن استفاده شود، از اینپیش استفاده شود. به نظرم جزوه، مناسب تأثیرگذاری نیست. چون مخاطبان ما بخوان نیستند، سمعی و بصری‌اند. خیلی اهل خواندن نیستند.

در مورد خلاءها، به نظر من به عنوان نسخه یک خیلی خوب است ولی با نسخه کامل خیلی فاصله دارد. ما اگر قرار است بگوییم چرا حاکمیت ما اشکال دارد، به نظرم باید به خیلی مباحث می‌پرداختیم. من قهرستوار می‌خوانم. مثلاً توازن قدرت مجلس و دولت موضوعی است که بدان پرداخته نشده است؛ استقلال قوه قضائیه، غیررسمی شدن قوه قضائیه، خوراک شدن، حقوقی شدن قوه قضائیه، نبض شورای نگهبان، پیش‌بینی‌پذیری و نظارت استصوابی، نظام رأی‌دهی و غیره در این موضوع دیده نشده است.

در مورد سیاست خارجی می‌توان بحث‌های ایدئولوژیک کرد. زمانی می‌گوییم اهداف ایدئولوژیک درست است و ما کم‌هزینه‌ترین روش را به سمت هدف انتخاب می‌کنیم یا با هزینه بیشتر؟ اصولاً به این مسائل پرداخته نشده است. در مورد نظام تصمیم‌گیری یک مطلب وجود دارد ولی در سطح وزیر هیچ‌چیزی نیست. یک وزیر چه کار می‌کند؟ چند شورا باید بروم؟ چند معاون داشته باشم؟ چند حکم دارم؟ اینها موضوعاتی است که در دیرباش‌اش کار شده و گزارشی درباره آن وجود ندارد. تنها زمانی که کار شد زمان آغاز شده و گزارشی درباره آن وجود ندارد. تنها زمانی که کار شد هشیم و به سمت آن رفتیم. در دوره اول آقای مشایخ کار خوبی کرد و محمد هاشمی با زیرکی آن را زمین زد و حذف کرد چون سمت خود او تحت تأثیر قرار می‌گرفت و بعدها ندیدم کسی آن کار را دنبال کند. کار خوبی بود. اینطور بود که هر وزیر هر روز سرکار می‌آید چه کار می‌کند؟ کارتابل را نگاه می‌کند، چند جلسه می‌گذارد، چند جراحه‌کننده عادی دارد، چند معاون جلسه دارند، چند نماینده مجلس مراجعه می‌کنند، چند نفر از مطبوعات مراجعه می‌کنند، چقدر باید حکم بزند و چقدر کارتابل او پر است... چند ماهی با آقای کرباسچیان بودم! ایشان ۱۱:۳۰ شب یا سه کیسه کارتابل می‌رفت. تعجب می‌کردم. تا ۳:۳۰ صبح کارتابل‌ها را بررسی می‌کرد و ۳:۳۰ صبح سرحال به جلسه می‌آمد. این حجم کار را آدم‌های غیرعادی می‌توانند پیش ببرند که اصلاً به آن پرداخته نشده است. به نقش رسانه‌های رسمی پرداخته نشده است؟

به نظر من در وضع موجود در ساختار سیاسی یکی از مسائل بالانکلیفی در دانش افتصاد است که این‌ها مسائلی است که حاکمیت ما هیچگاه تصمیمی برای انتخاب رویکرد نگرفته است. بالاخره این بالانکلیفی در اینکه چه رویکردی انتخاب می‌کنیم تا حل مسئله صورت گیرد، دیده می‌شود. چند سال است این بالانکلیفی این حکومت را آزار می‌دهد.

چرا این بحث؟ چرا در این حوزه وجود دارد که بیان خواهم کرد. چرا این بحث؟ روشن است. حکومت ما شرایط عادی در حوزه اقتصاد و درآمدهای نفتی کار نمی‌کند و اصلاحات ساختاری بدون اصلاحات نهادی اساساً ممکن نمی‌شود. به نظرم کلیت متن بین منظومه نظری- سیاستی حکمرانی خوب و منظومه نظری- سیاستی استقرار سیاسی بالانکلیف بود. این متن بین استقرار سیاسی و حکمرانی خوب مردد بود. تقریباً نیمی از پیشنهادها ذیل منظومه حکمرانی خوب طرح می‌شود، از جمله تنظیم‌گری و پیش‌فرض‌های آن و تصویری که از وضعیت موجود دارد به سمت تصویری که هدف گرفته است و تقریباً نیمی تذرویک‌تر به استقرار سیاسی بدون ذی‌روابط کاملاً هیچ‌یک از این‌ها نبود! یک جا در مقدمه آقای امامیان تأکید کردند این اندیشکده سیاستی است و سیاسی نیست. به نظرم این مردد بودن شاید محصول همین امر است. پیشنهاد هم ندارم این امر را تغییر دهید ولی ما سیاست غیرسیاسی نداریم. سیاست یکی از ابزارهای سیاسی است. متوجهم منظور ایشان چیست ولی پیش‌زانداز‌اه‌ی‌ناشد باشد، هشدارها جدی نشان داده شده‌اند. از رنگ استفاده شود، از برجسته کردن استفاده شود، از اینپیش استفاده شود. به نظرم جزوه، مناسب تأثیرگذاری نیست. چون مخاطبان ما بخوان نیستند، سمعی و بصری‌اند. خیلی اهل خواندن نیستند.

در مورد خلاءها، به نظر من به عنوان نسخه یک خیلی خوب است ولی با نسخه کامل خیلی فاصله دارد. ما اگر قرار است بگوییم چرا حاکمیت ما اشکال دارد، به نظرم باید به خیلی مباحث می‌پرداختیم. من قهرستوار می‌خوانم. مثلاً توازن قدرت مجلس و دولت موضوعی است که بدان پرداخته نشده است؛ استقلال قوه قضائیه، غیررسمی شدن قوه قضائیه، خوراک شدن، حقوقی شدن قوه قضائیه، نبض شورای نگهبان، پیش‌بینی‌پذیری و نظارت استصوابی، نظام رأی‌دهی و غیره در این موضوع دیده نشده است.

در مورد سیاست خارجی می‌توان بحث‌های ایدئولوژیک کرد. زمانی می‌گوییم اهداف ایدئولوژیک درست است و ما کم‌هزینه‌ترین روش را به سمت هدف انتخاب می‌کنیم یا با هزینه بیشتر؟ اصولاً به این مسائل پرداخته نشده است. در مورد نظام تصمیم‌گیری یک مطلب وجود دارد ولی در سطح وزیر هیچ‌چیزی نیست. یک وزیر چه کار می‌کند؟ چند شورا باید بروم؟ چند معاون داشته باشم؟ چند حکم بزنم؟ اینها موضوعاتی است که در دیرباش‌اش کار شده و گزارشی درباره آن وجود ندارد. تنها زمانی که کار شد زمان آغاز شده و گزارشی درباره آن وجود ندارد. چند زمانی که کار شد هشیم و به سمت آن رفتیم. در دوره اول آقای مشایخ کار خوبی کرد و محمد هاشمی با زیرکی آن را زمین زد و حذف کرد چون سمت خود او تحت تأثیر قرار می‌گرفت و بعدها ندیدم کسی آن کار را دنبال کند. کار خوبی بود. اینطور بود که هر وزیر هر روز سرکار می‌آید چه کار می‌کند؟ کارتابل را نگاه می‌کند، چند جلسه می‌گذارد، چند جراحه‌کننده عادی دارد، چند معاون دارد، چند نماینده مجلس مراجعه می‌کنند، چند نفر از مطبوعات مراجعه می‌کنند، چقدر باید حکم بزند و چقدر کارتابل او پر است... چند ماهی با آقای کرباسچیان بودم! ایشان ۱۱:۳۰ شب یا سه کیسه کارتابل می‌رفت. تعجب می‌کردم. تا ۳:۳۰ صبح کارتابل‌ها را بررسی می‌کرد و ۳:۳۰ صبح سرحال به جلسه می‌آمد. این حجم کار را آدم‌های غیرعادی می‌توانند پیش ببرند که اصلاً به آن پرداخته نشده است. به نقش رسانه‌های رسمی پرداخته نشده است؟

به نظر من در وضع موجود در ساختار سیاسی یکی از مسائل بالانکلیفی در دانش افتصاد است که این‌ها مسائلی است که حاکمیت ما هیچگاه تصمیمی برای انتخاب رویکرد نگرفته است. بالاخره این بالانکلیفی در اینکه چه رویکردی انتخاب می‌کنیم تا حل مسئله صورت گیرد، دیده می‌شود. چند سال است این بالانکلیفی این حکومت را آزار می‌دهد.

چرا این بحث؟ چرا در این حوزه وجود دارد که بیان خواهم کرد. چرا این بحث؟ روشن است. حکومت ما شرایط عادی در حوزه اقتصاد و درآمدهای نفتی کار نمی‌کند و اصلاحات ساختاری بدون اصلاحات نهادی اساساً ممکن نمی‌شود. به نظرم کلیت متن بین منظومه نظری- سیاستی حکمرانی خوب و منظومه نظری- سیاستی استقرار سیاسی بالانکلیف بود. این متن بین استقرار سیاسی و حکمرانی خوب مردد بود. تقریباً نیمی از پیشنهادها ذیل منظومه حکمرانی خوب طرح می‌شود، از جمله تنظیم‌گری و پیش‌فرض‌های آن و تصویری که از وضعیت موجود دارد به سمت تصویری که هدف گرفته است و تقریباً نیمی تذرویک‌تر به استقرار سیاسی بدون ذی‌روابط کاملاً هیچ‌یک از این‌ها نبود! یک جا در مقدمه آقای امامیان تأکید کردند این اندیشکده سیاستی است و سیاسی نیست. به نظرم این مردد بودن شاید محصول همین امر است. پیشنهاد هم ندارم این امر را تغییر دهید ولی ما سیاست غیرسیاسی نداریم. سیاست یکی از ابزارهای سیاسی است. متوجهم منظور ایشان چیست ولی پیش‌زانداز‌اه‌ی‌ناشد باشد، هشدارها جدی نشان داده شده‌اند. از رنگ استفاده شود، از برجسته کردن استفاده شود، از اینپیش استفاده شود. به نظرم جزوه، مناسب تأثیرگذاری نیست. چون مخاطبان ما بخوان نیستند، سمعی و بصری‌اند. خیلی اهل خواندن نیستند.

در مورد خلاءها، به نظر من به عنوان نسخه یک خیلی خوب است ولی با نسخه کامل خیلی فاصله دارد. ما اگر قرار است بگوییم چرا حاکمیت ما اشکال دارد، به نظرم باید به خیلی مباحث می‌پرداختیم. من قهرستوار می‌خوانم. مثلاً توازن قدرت مجلس و دولت موضوعی است که بدان پرداخته نشده است؛ استقلال قوه قضائیه، غیررسمی شدن قوه قضائیه، خوراک شدن، حقوقی شدن قوه قضائیه، نبض شورای نگهبان، پیش‌بینی‌پذیری و نظارت استصوابی، نظام رأی‌دهی و غیره در این موضوع دیده نشده است.

در مورد سیاست خارجی می‌توان بحث‌های ایدئولوژیک کرد. زمانی می‌گوییم اهداف ایدئولوژیک درست است و ما کم‌هزینه‌ترین روش را به سمت هدف انتخاب می‌کنیم یا با هزینه بیشتر؟ اصولاً به این مسائل پرداخته نشده است. در مورد نظام تصمیم‌گیری یک مطلب وجود دارد ولی در سطح وزیر هیچ‌چیزی نیست. یک وزیر چه کار می‌کند؟ چند شورا باید بروم؟ چند معاون داشته باشم؟ چند حکم بزنم؟ اینها موضوعاتی است که در دیرباش‌اش کار شده و گزارشی درباره آن وجود ندارد. تنها زمانی که کار شد زمان آغاز شده و گزارشی درباره آن وجود ندارد. چند زمانی که کار شد هشیم و به سمت آن رفتیم. در دوره اول آقای مشایخ کار خوبی کرد و محمد هاشمی با زیرکی آن را زمین زد و حذف کرد چون سمت خود او تحت تأثیر قرار می‌گرفت و بعدها ندیدم کسی آن کار را دنبال کند. کار خوبی بود. اینطور بود که هر وزیر هر روز سرکار می‌آید چه کار می‌کند؟ کارتابل را نگاه می‌کند، چند جلسه می‌گذارد، چند جراحه‌کننده عادی دارد، چند معاون دارد، چند نماینده مجلس مراجعه می‌کنند، چند نفر از مطبوعات مراجعه می‌کنند، چقدر باید حکم بزنند و چقدر کارتابل او پر است... چند ماهی با آقای کرباسچیان بودم! ایشان ۱۱:۳۰ شب یا سه کیسه کارتابل می‌رفت. تعجب می‌کردم. تا ۳:۳۰ صبح کارتابل‌ها را بررسی می‌کرد و ۳:۳۰ صبح سرحال به جلسه می‌آمد. این حجم کار را آدم‌های غیرعادی می‌توانند پیش ببرند که اصلاً به آن پرداخته نشده است. به نقش رسانه‌های رسمی پرداخته نشده است؟

به نظر من در وضع موجود در ساختار سیاسی یکی از مسائل بالانکلیفی در دانش افتصاد است که این‌ها مسائلی است که حاکمیت ما هیچگاه تصمیمی برای انتخاب رویکرد نگرفته است. بالاخره این بالانکلیفی در اینکه چه رویکردی انتخاب می‌کنیم تا حل مسئله صورت گیرد، دیده می‌شود. چند سال است این بالانکلیفی این حکومت را آزار می‌دهد.

علی سرزعیم

موجود زنده است و هویت دارد، بر اساس قانون اداره می‌شود و زور دارد. مهم‌تر از آن قوه مقننه ما به عنوان دستگاه یا قوه‌ای که مسئولیت مهم نظارتی دارد، طبق قانون اساسی نظارش با این سازوکار بخشی تنظیم شده است. یعنی شما وقتی وارد مجلس می‌شوید وارد سالنی می‌شوید که کمیسیون آب، کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست، یک تابلوی خوشویسی شده دارد. این سؤال را در دوره‌های مختلف که به عنوان معاون وزیر، اقتصادم و وزیر و وزیر رفتم، پرسیدم و جواب گرفتم. پرسیدم تاکنون شده شما مسئول آب و کشاورزی و منابع طبیعی و محیط زیست را یک دعوت کنید و بگویید این مسئله را داریم و این مسئله متوجه همگی است؟ اگر حل شد همه حل کردید و اگر حل نشد، همگی ناتوان بودید. گفتند این دارد انکردنیم. چرا؟ این سازوکار می‌گوید من وزیر کشاورزی رأی استماع می‌دهم، از شما سؤال می‌کنم و شما را استیضاح می‌کنم و می‌مانید یا نمی‌مانید. پس سازوکار نظارتی ما هم عمدتاً سازوکار بخشی است.

دیوان محاسبات ما نیز همینطور تابع همین طور نگاه می‌کند. سازمان بازرسی کل کشور نیز بعد از اتمام دوره و در خلال دوره بعضاً همین طور نگاه می‌کند. پس این سازوکارهای نظارتی هم بر اساس نگاه بخشی شکل گرفتند. وزارتخانه‌ها نیز همینطورند. رئیس‌جمهور که مسئول همه سازمان‌ها یعنی بخشی را طبق وعده و سوگندی که یاد کرده، طبق مسئولیتی که دارد و جواب‌گویی که باید به مردم، رهبری و مجلس بدهد، جلو ببرد. این کار در شکل موجود خود شدنی نیست. باید سازوکارهای بین بخشی تقویت یا ایجاد شوند.

داریم مختصات نگاه ساده‌مان به سازمان دولت را می‌گوییم. یکی، موجود زنده نادیدن دولت است. دوم، بحث بخشی‌گری و بنیان‌بخش بودن مسائل است و سومی، گسست و انفصالی است که بین این دو ایراد به وجود می‌آید. این‌جا کم‌کم کردیم. البته این را تصادفی نمی‌دانم و به اعتقاد من مبتنی بر یک نگاه است. یک نگاه بسیار ساده‌انگارانه است. ساده‌گی از جهت که من فکر می‌کنم تصمیم‌ساز، نه تصمیم‌گیر، اگر به گونه‌ای در رفتار یا افکار عمومی، مردم و شهروندان برخورد کند که هرچه بود از ناکامی، ناکارآمدی، سستی و کم‌کاری و مشکلات، متوجه این جمعی بود که تاکنون بودند؛ اما یک‌سری آدم آرام بگذاریم، این مسائل حل می‌شود و توافق کشیر در کار هم دیگر نکنند تا بخش عمده مشکلات حل شود. این هم برای جوامع خود مثال است ولی به اعتقاد من عملکرد 45 سال بیش نشان می‌دهد موضوع را ساده پیچیده‌تر است. من جزء کسانی هستم که حداقل اعتقاد دارم مدلی وجود دارد. ممکن است بحث کنیم این مدل درست نیست یا نیستیم ولی این گونه نیست که تصادفی باشد و به صورت سعی و خطا تا اینجا جلو آمده باشیم. من اگر بخواهم این مدل را قدری باز کنم و بعد به مسئله اصلی بحث برسم، باید بگویم یک نقلی ساده از سازمان دولت داشتیم و بعضاً ممکن است هنوز هم این نقلی را داشته باشیم.

من با ذهن ساده وقتی برای اولین بار با کلمه مقننه و قضائیه و مجریه مواجه شدم، با یک مقدار سواد دوساله ایران قدیم گفتم مقننه و قضائیه یک شأن انشایی دارند و یک چیزی را انشا می‌کنند. آن کسی که اصلاً لازم نیست از این حیث نیازمند فکر کردن باشد، مجری است که به او می‌گویند چه کار کند و او اجرا می‌کند. این نقلی را فکر می‌کنم در مقام مقایسه از ابتدا از سازمان دولت داشتیم که دولت یک ابزار است. موم نیست ولی حرکت می‌کنیم و آن‌طور که می‌خواهیم می‌خواهیم می‌چرخانیم و درست می‌کنیم. چهت‌گیری‌ها را عوض می‌کنیم. جایی که دیدیم خوب رفت نشدیم، گفتیم صورتش را یک می‌کنیم، مثلاً سازمان برنامه و بودجه نمی‌خواهیم و تعطیلش می‌کنیم. چون حرفش نشدیم. از اینجا باید این تصحیح را صورت دهیم که سازمان دولت یک موجود زنده است. تعبیر آقای جلایی‌پور درباره رانندگی کردن تعبیر درست و قشنگی است ولی در نظر بگیرید در مقطعی بعد از ۴ سال یا ۸ سال دولت عوض شود، ماشین دولت که در ایستگاه توقف نمی‌کند و بگوید «قبلی‌ها پیاده شوید که بعدی‌ها می‌خواهند سوار شوند» و دیواره استارت بزند و راه بیفتد. نه خیر! یک ماشین در حال حرکت است و هنر بعدی‌ها باید این باشد که عین اتوبوس‌های قدیم که راننده در حال حرکت عوض می‌شد و کمکی از بوفه هم آمد و کمکی از فرمان می‌نشست و ما هم نگاه می‌کردیم که چطور اتوبوس را نگه نداشتند، عمل کند. سازمان دولت در حال حرکت است که تیم جدید می‌آید. این تیم جدید قبل از اینکه سوار شود، چقدر نظر داشته، چقدر اشتباه داشته، چقدر می‌گفته این موتور صدا می‌دهد و اینجا باید این طور و آن‌طور بشد. این مسائل وجود دارد و باید سیاست این ماشین در حال حرکت را برانند اولین چیزی که برای او مهم می‌شود این است که باید ثابت کند بلد است و چپ نمی‌کند. تا مدتی مسعی می‌کند فقط فرمان را بچسبد و نشان دهد توانایی راندن ماشین در حال حرکت را دارد. در همین مدت این ماشین در حال حرکت دیگنه‌های جدی خود را اعمال می‌کند. این دیگنه‌ها چیست؟ شما می‌بینید بعد از یک سال مثلاً ادبیات آقای جلایی‌پور عوض می‌شود؟ به خاطر اینکه الان جایی نشسته که قبل از هرچیزی باید نشان دهد من بلدم بروم.

مختصات این ماشین چیست؟ به روزی برگردیم که مستشارها آمدند و سازمان دولت را برای ما طراحی کردند. به اعتقاد من سازمان دولت را من خودم یا برای ما کاشتند و این دیوارهای دور این سستون را ذبیم و برج بلندی ساختیم ولی سقف و کف‌ها یعنی اتصال بین وزارتخانه‌ها، اتصال بین ستون‌ها بسته شد یا ضعیف بود یا کم بود؛ اگر شما این سقف و کف‌ها را نداشته باشید، این هم دولت باشد، استفاده‌ای که از آن می‌کنید، یک سیلو است. یا گندم در آن می‌ریزید، یا سیمان؛ سقف و کف‌ها را که وجود یک مجموعه اداری، تجاری می‌شود. این اتصالات بین بخش‌ها در دولت است. در یادداشت سیاسی در مقدمه نیز وجود دارد که دولت‌ها همواره از ضعف مرکزیت برخی در مقایسه با وزارتخانه‌ها و سازمان‌های عریض و طویل خود رنج برده‌اند و عملاً رأس راهبردی دولت‌ها به مرور زمان غالباً به مجریان سیاست‌های بخش‌های اداره‌کننده آن مبدل می‌شود. این طور نیست؛ مسائل سواد و تجربه‌ای که اصلاً ربطی به وزارتخانه نداشته‌ایم در تصمیم‌گرفته شده و دوباره ریشه در این آدم‌هاست. اگر این آدم‌های دعوایی را بردارید و یک‌سری آدم آرام بگذارید، این مسائل حل می‌شود و توافق کشیر در کار هم دیگر نکنند تا بخش عمده مشکلات حل شود. این هم برای جوامع خود مثال است ولی به اعتقاد من عملکرد 45 سال بیش نشان می‌دهد موضوع را ساده پیچیده‌تر است. من جزء کسانی هستم که حداقل اعتقاد دارم مدلی وجود دارد. ممکن است بحث کنیم این مدل درست نیست یا نیستیم ولی این گونه نیست که تصادفی باشد و به صورت سعی و خطا تا اینجا جلو آمده باشیم. من اگر بخواهم این مدل را قدری باز کنم و بعد به مسئله اصلی بحث برسم، باید بگویم یک نقلی ساده از سازمان دولت داشتیم و بعضاً ممکن است هنوز هم این نقلی را داشته باشیم.

من از گروه مجریان صحبت می‌کنم. کسانی که به قول آقای دکتر تازه ۱۲ شب، ۱۰، ۱۱ تا کارتابل باید بیندند! توقع و انتظار این گروه این است که پژوهشگران با توجه به علم روز، رفرش‌های جهانی، تألیفاتی که وارد شده، تارضایتی سیاسی افزایش یافت به حکمرانی توجه پیدا کرده است و طبیعتاً الان تقاضای این وجود دارد و عرضه متناسب با آن تقاضا باید شکل بگیرد. مخاطب عمده مباحث برای راحل حاکمیت است، نه دوره چهاردهم! من دو سه دوره دیدم که مخاطبش دولت بود. همچنین درباره زبان باید بگویم یک حسن این است که مبتنی بر پژوهش است و طبیعتاً پژوهشگران آن را نوشته‌اند، زبان خشن و فنی و علمی است. این یک حسن برای Policy paper (یادداشت سیاسی) است. وقتی قرار است کارشناسان و افراد واردبان این سند را بخوانند این یک حسن است. من دستم‌ون‌ولی وقتی قرار است سیاستمدار بخواند زبان به نظرم باید فرق کند و یکجایی به نظرم باورپوینت از این جزوه مؤثرتر است. کلمات باید با حساسیت‌های دولت باشند، هشدارها جدی نشان داده شده‌اند. از رنگ استفاده شود، از برجسته کردن استفاده شود، از اینپیش استفاده شود. به نظرم جزوه، مناسب تأثیرگذاری نیست. چون مخاطبان ما بخوان نیستند، سمعی و بصری‌اند. خیلی اهل خواندن نیستند.

در مورد خلاءها، به نظر من به عنوان نسخه یک خیلی خوب است ولی با نسخه کامل خیلی فاصله دارد. ما اگر قرار است بگوییم چرا حاکمیت ما اشکال دارد، به نظرم باید به خیلی مباحث می‌پرداختیم. من قهرستوار می‌خوانم. مثلاً توازن قدرت مجلس و دولت موضوعی است که بدان پرداخته نشده است؛ استقلال قوه قضائیه، غیررسمی شدن قوه قضائیه، خوراک شدن، حقوقی شدن قوه قضائیه، نبض شورای نگهبان، پیش‌بینی‌پذیری و نظارت استصوابی، نظام رأی‌دهی و غیره در این موضوع دیده نشده است.

در مورد سیاست خارجی می‌توان بحث‌های ایدئولوژیک کرد. زمانی می‌گوییم اهداف ایدئولوژیک درست است و ما کم‌هزینه‌ترین روش را به سمت هدف انتخاب می‌کنیم یا با هزینه بیشتر؟ اصولاً به این مسائل پرداخته نشده است. در مورد نظام تصمیم‌گیری یک مطلب وجود دارد ولی در سطح وزیر هیچ‌چیزی نیست. یک وزیر چه کار می‌کند؟ چند شورا باید بروم؟ چند معاون داشته باشم؟ چند حکم بزنم؟ اینها موضوعاتی است که در دیرباش‌اش کار شده و گزارشی درباره آن وجود ندارد. تنها زمانی که کار شد زمان آغاز شده و گزارشی درباره آن وجود ندارد. چند زمانی که کار شد هشیم و به سمت آن رفتیم. در دوره اول آقای مشایخ کار خوبی کرد و محمد هاشمی با زیرکی آن را زمین زد و حذف کرد چون سمت خود او تحت تأثیر قرار می‌گرفت و بعدها ندیدم کسی آن کار را دنبال کند. کار خوبی بود. اینطور بود که هر وزیر هر روز سرکار می‌آید چه کار می‌کند؟ کارتابل را نگاه می‌کند، چند جلسه می‌گذارد، چند جراحه‌کننده عادی دارد، چند معاون دارد، چند نماینده مجلس مراجعه می‌کنند، چند نفر از مطبوعات مراجعه می‌کنند، چقدر باید حکم بزنند و چقدر کارتابل او پر است... چند ماهی با آقای کرباسچیان بودم! ایشان ۱۱:۳۰ شب یا سه کیسه کارتابل می‌رفت. تعجب می‌کردم. تا ۳:۳۰ صبح کارتابل‌ها را بررسی می‌کرد و ۳:۳۰ صبح سرحال به جلسه می‌آمد. این حجم کار را آدم‌های غیرعادی می‌توانند پیش ببرند که اصلاً به آن پرداخته نشده است. به نقش رسانه‌های رسمی پرداخته نشده است؟

به نظر من در وضع موجود در ساختار سیاسی یکی از مسائل بالانکلیفی در دانش افتصاد است که این‌ها مسائلی است که حاکمیت ما هیچگاه تصمیمی برای انتخاب رویکرد نگرفته است. بالاخره این بالانکلیفی در اینکه چه رویکردی انتخاب می‌کنیم تا حل مسئله صورت گیرد، دیده می‌شود. چند سال است این بالانکلیفی این حکومت را آزار می‌دهد.

دیتاپیس‌های غنی 45 ساله درایران

این را باید در نظر گرفت بعد از ۴۵-۴۰ سال خود ما یک دیتاپیس غنی و مبتنی بر فکت و فیگرهایی که در کشور ما در دوره‌های مختلف اتفاق افتاده داریم. باید قبل از اینکه نسخه‌پیچی خود را براساس ادبیات مصطلح روز و فرفرنس‌های کتابخانه‌ای قرار دهیم، از دل همین نکات تجربی که در این ۴۰-۴۵ سال تحت عنوان تجربه و اتفاق به آنها وقوف پیدا کرده‌ایم، من تلفظ را روی منحنی بیاوریم و از دل آن الگوریتمی استخراج کنیم. البته باید از آن اطلاعات برونی هم استفاده کنیم؛ یعنی شما وقتی می‌خواهید، نه یقشه راه که اشاره شد، کمک کند، به اعتقاد من اگر این کار را انکنیم ممکن است یک‌سری ساده‌انگاری‌ها اتفاق بیفتد و به اعتقاد من مبتنی بر یک نقاه است. بگویم این سند حاوی این فهم اولیه از آنچه تاکنون گذشته، نیست. همه ولی یکی از نقدهایی که به آن وارد است این است که خیلی موضوع را ساده